

متن زیر نامه‌ای است به امضای میرزا موسی کلیم، برادر با وفای حضرت بهاء الله که در بجهوحه فتنه ازل و واقعه فصل اکبر در سال ۱۸۶۶ م به جناب اسماعیل ذبیح کاشانی نوشته است. این نامه شامل مطالب مهمه تاریخی است که به قلم موثق میرزا موسی مرقوم شده، و لذا جهت توضیح تفصیلاتی که به دوران ادرنه مربوط می‌باشد دارای اهمیّت تاریخی بسزائی است.

از قرائن معلوم می‌شود که تاریخ دقیق نوشتن این نامه باید اواسط ماه مه سال ۱۸۶۶ م باشد، زیرا بر حسب تواریخ معتبره هیکل اقدس ابهی در دهم ماه مارس ۱۸۶۶ م ابواب لقا را بر روی احباب بستند، و جناب کلیم در این نامه می‌گویند که «حال مدّت دو ماه است که نفسی از اصحاب مشرف نشدند.»

نسخه اصل این نامه در کتابخانه خصوصی نگارنده این سطور موجود است و به احتمال قوی به خط خود جناب کلیم است که بر روی یک ورقه ضخیم نوشته شده است. این ورقه با سه ورقه دیگر، که شامل لوح هودج به خط حضرت عبدالبهاء و لوح میر محمد رکابی احتمالاً به خط جناب غصن اطهر و یک مناجات از قلم اعلی به خط میرزا محمد علی است، بر روی یک کاغذ دو لایه بزرگ تری چسبانده شده‌اند. ناگفته نماند که اگرچه در آخر این نامه امضای «من الکلیم» آمده است، بعید نیست از لسان جمال مبارک به امضای جناب کلیم نازل شده باشد، همانند الواحی که به امضای خادم نازل می‌شده. البتّه این موضوع احتیاج به نظر خبرگان دارد و از عهده نگارنده خارج است.

جهت توضیح بعضی اشارات تاریخی و نام‌های اشخاص که در این نامه وارد شده است چند یادداشت مختصر اضافه می‌شود. اما تفصیلات مربوط به آن در کتاب‌های تاریخ امر به تفصیل ذکر شده است و لزومی برای تکرار آن در اینجا نیست.

### هو البهیّ الابهیّ

یا ذبیح،<sup>۱</sup> این سنه سنه شداد است،<sup>۲</sup> و تفصیل امور تا حال به آن جناب ذکر نشد حفظاً لامر الله. حال لازم شد که مطلع باشید. چون امر تا در میان خارجی کشف نشده بود ذکرش جایز نبود، هر چه وارد می‌شد. لکن حال جمیع مطلع شدند. شخص معروف<sup>۳</sup> که تا حال او را حفظاً لامر الله مستور داشتند، سرّاً در مقام قتل نفس الله البهیّ الابهیّ روحی و روح العالمین فداه برآمد،<sup>۴</sup> و شخصی از اصحاب<sup>۵</sup> را تحریک نمود به قتل وجود مبارک. مدّتی بود که در این تدبیر بود تا آنکه مطمئن شد که آنچه بگوید می‌کند. چندی قبل اظهار مطلب نمود که: باید چنین کاری بکنی و فرار نمائی. آن شخص متحیر ماند. بعد اصحاب را جمع نمود که تفصیل سخنان و تدبیرات او را ذکر نمود که: مرا امر به قتل نموده است. باری جمیع اعراض نمودند و نفسی به او معاشرت نمی‌نماید. تفصیل را عبدالرحیم<sup>۶</sup> و نجف علی<sup>۷</sup> ذکر خواهند نمود. باری

آن وجود مبارک خود را از جمیع خارج نمود، و حال مدّت دو ماه است که نفسی از اصحاب مشرف نشدند، و در راه روی خود بسته‌اند، به قسمی که روز عید والی ولایت به دیدن رفته بود و مدّتی معطل شد و نفسی نبود که در راه باز نماید. بعد از جمیع این ظهورات و بروزات قدرت و قوّت، اهل بیان از جهت حبّ ریاست به این مقام آمدند، از خارجی چه توقّع! باری او را عفو فرمودند و به خود وا گذاشتند. مصارفش را هم عنایت فرمودند، و یک نفر هم امر فرمودند که امورات او را متوجّه است و لکن از روی کُره.<sup>۸</sup> در این ایّام با سید ملعون<sup>۹</sup> که خارج شده بود، و ارض ننگ دارد که او بر روی او مشی می‌نماید، متحد شده است، و سرّاً در تدبیر فتنه و فساد هستند، و همین فعل را که به مثل شمس واضح شده به اطراف می‌نویسند و به خود نسبت می‌دهند. باری جمیع امور را از حضرات مطّلع شو. حال مقصودی ندارند به جز آنکه اهل بیان را به بت پرستی دعوت می‌نمایند. لکنّ یدالله فوق ایدبهم. باری آن جناب خود را از شیاطین حفظ نمایند. این بود سرّ فرمایشات در توقیع مبارک. حال ملتفت شو و مسرور باش و شاکر. روز قبل راهم به سرایه رفته‌اند و طلب معاش نمودند. این قدر بدان که مایه ننگ این امر شده‌اند، و خود را خارج نموده‌اند. تا خدا چه خواهد! از شدّت حزن حالت بیش از این نوشتن را ندارم. التّکبیر علیک و علی من معک فی هذا الصّراط. من الکلیم.

### یادداشت‌ها

- ۱- مقصود جناب اسماعیل ذبیح کاشانی است که لوح رئیس عربی به افتخار ایشان نازل گردید.
- ۲- سنه شداد تعبیری است که در آثار مبارکه به سال فصل اکبر در ادرنه (۱۸۶۶ م) و نیز سال صعود مبارک (۱۸۹۲ م) اطلاق می‌شود.
- ۳- مقصود یحیی ازل است.
- ۴- اشاره به اقدام ازل بر قتل حضرت بهاءالله.
- ۵- این شخص استاد محمّد علی سلمانی است که از خدّام بود.
- ۶- مقصود ملا عبدالرحیم قزوینی است که شرح حال او با لوحی که در آن دوره به افتخار او نازل گردید در دفتر سوّم سفینه عرفان موجود می‌باشد.
- ۷- مقصود آقا نجف علی زنجانی است که در بغداد و اسلامبول و ادرنه در حضور مبارک بود. ایشان از بقیّة السیف واقعه زنجان است، و به مدّت کوتاهی پس از مراجعت از ادرنه به ایران به شهادت رسید.
- ۸- این شخص که پس از فصل اکبر به دستور مبارک حضرت بهاءالله متصدی خدمت در خانه ازل شد درویش صدق علی است که لوح لیلّة القدس به افتخار ایشان پیش از این واقعه از قلم اعلی نازل شده بود. حضرت عبدالبهاء فصلی از تذکرة الوفد را به شرح حال ایشان اختصاص داده‌اند.
- ۹- مقصود سید محمّد اصفهانی است که در کتاب اقدس او را به عنوان کسی که ازل را اغوا کرد توصیف می‌فرمایند.